

توسعه پایدار در پرتو انتخاب معیار برتر مسئولیت اجتماعی از دیدگاه خبرگان

ابوالفضل خسروی

استادیار گروه آموزشی مدیریت بازرگانی، پردیس فارابی، دانشگاه تهران

(دریافت: ۱۳۹۵/۵/۵ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۷)

Sustainable Development in Light of Selecting the Higher Criterion of Social Responsibility From experts' point of view

Abolfazl Khosravi

Assistant Professor, Department of Business Management, College of Farabi, University of Tehran

(Received: 27/07/2016 Accepted: 26/02/2018)

Abstract:

One of the main challenges for managers in recent days is their main focus on sustainable development. Sustainable development with various dimensions such as economic sustainability, social sustainability, political stability and environmental sustainability requires a holistic approach, but the priority of some programs and policies in each of the sustainable development axes is in line with the requirements of the same region and country. On the other hand, social responsibility of organizations and companies is not merely viewed as a moral obligation or social marketing, but a great element in the missing link between government policies and corporate policies. This research has been selected to prioritize the dimensions of sustainable development as well as the dimensions of social responsibility of managers with the Delphi approach of the experts and the hierarchical analysis method, according to the opinion of social sustainability experts as the best criterion for sustainable development and management responsibility as a preferred option. Accordingly, it can be done in the role of managers in industrial and metropolitan communities, with priority being given to social sustainability and the involvement of environmental strategies in the responsibilities of managers.

Keywords: Sustainable Development, Social Sustainability, Social Responsibility, Managerial Responsibility.

چکیده:

از چالش‌های اساسی مدیران در عصر حاضر، تمرکز عمده بر موضوع توسعه پایدار است. توسعه پایدار با ابعاد مختلفی همچون پایداری اقتصادی، پایداری اجتماعی، پایداری سیاسی و پایداری محیط زیستی نیازمند نگرشی کل گراست، اما تقدم برخی برنامه‌ها و سیاست‌گذاری‌ها در هریک از محورهای توسعه پایدار متناسب با الزامات همان منطقه و کشور است. از طرفی مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها و شرکت‌ها فقط یک الزام اخلاقی و یا بازاریابی اجتماعی تلقی نمی‌شود بلکه عنصر بزرگی در حلقه مفقوده رابطه سیاست‌های دولت و سیاست‌های شرکت‌هاست. این تحقیق که به منظور تعیین اولویت ابعاد توسعه پایدار و همچنین ابعاد مسئولیت اجتماعی مدیران با رویکرد دلفی خبرگان و روش تحلیل سلسله مراتبی صورت پذیرفته، با توجه به نظر خبرگان پایداری اجتماعی به عنوان برترین معیار توسعه پایدار و مسئولیت مدیریتی به عنوان گزینه ارجح، انتخاب شده است. بر این اساس می‌توان در جوامع کلان شهری و صنعتی با اولویت بخشیدن به پایداری اجتماعی و نیز دخالت دادن راهبردهای محیط‌زیستی در مسئولیت‌های مدیران، بازآفرینی در نقش مدیران انجام داد.

واژه‌های کلیدی: توسعه پایدار، پایداری اجتماعی، مسئولیت اجتماعی، مسئولیت مدیریتی.

مقدمه

توسعه پایدار راه تازه‌ای برای رسیدن به آرمان‌های بشر همراه با حفظ منابع و امکانات برای آیندگان است. از آنجاکه واژه توسعه پایدار دربرگیرنده کلیه مفاهیم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، کالبدی و محیط‌زیستی است، حصول با آن نیازمند عزم ملی و همیاری تمام بخش‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی و ارائه برنامه جامع در این زمینه است (Abdollahi, 2015). طراحان ایده محدودیت‌های رشد بر این باور بودند که فرایند رشد اقتصادی موجود به انحطاط و بن‌بستی فراگیر می‌انجامد تلاش برای پاسخ به این ایده و نیز بالا گرفتن جنبش‌های محیط‌زیستی، اقتصاددانان را به‌سوی بسط مفاهیمی سوق داد که امروزه سهم قابل‌توجهی از پژوهش‌های مربوط به رشد و توسعه اقتصادی را در جوامع پیشرفته و حتی درحال توسعه به خود اختصاص می‌دهد. توسعه پایدار از تأثیرگذارترین مفاهیمی است که در این دوره عرضه شد. توسعه پایدار مفهومی هنجاری است که به حفظ و بقای یکپارچگی در مجموعه نظام اقتصادی به‌عنوان کلی واحد می‌پردازد و به برقراری نوعی توازن میان اهداف اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی اشاره می‌کند (Hediger, 2000).

دیدگاه فن محورانه و دید خوش‌بینانه به جهان که سبب استفاده بی‌رویه از منابع طبیعی و مصرف بی‌اندازه منابع به‌ویژه منابع تجدیدناپذیر شده و تعادل اکوسیستم‌ها را به هم زده است، یکی از موضوعاتی است که وضعیت توسعه را با چالش مواجه ساخته است (Armaki & Eftekhary, 2000). صنعتی شدن جوامع بشری عوارض عمده‌ای را برای شهرنشینی که در مجاورت صنایع ساکن گشته‌اند، به همراه دارد.

یکی از عمده‌ترین پیامدهای این مجاورت، آلودگی محیط‌زیست به آلاینده‌های صنعتی است. آلاینده‌های شیمیایی ناشی از سوخت‌های فسیلی و بالأخص سرب، یکی از آلاینده‌های مهم آب، هوا، خاک و منابع غذایی شهرهای صنعتی و کارگری می‌باشد (Moayed et al., 2008). تولید انرژی برای استفاده‌های خانوادگی و تجاری، فعالیت‌های صنعتی و حمل‌ونقل عوامل اصلی آلودگی هوا در شهرها هستند. غلظت منوکسیدکربن، سرب و به‌ویژه ذرات معلق در هوا در برخی شهرهای بزرگ به میزان چشمگیری از استانداردهای سازمان جهانی پیشی گرفته است. ازجمله بزرگ‌ترین نگرانی‌ها در ارتباط با بهداشت محیط، ذرات ریز و سرب است که به ناتوانی و ضعف قوه یادگیری در نوجوانان

کمک می‌کند. تحقیقات انجام‌شده در دهه‌های اخیر نشان از گسترش آلاینده‌هایی چون سرب در مراکز پرجمعیت و جذب این عنصر از طرق مختلفی چون استنشاق، بلع و پوست دارد. نتایج حاصل از بررسی میزان سرب خون ۱۱۴۲ نفر از ساکنان شهر اراک نشان داد که میزان سرب خون ۴۶۳ نفر از افراد مورد مطالعه (۴۰/۵٪) بیش‌ازحد مجاز (۱۰ میلی‌گرم در دسی لیتر) می‌باشد (Moayed et al., 2008) و این صرفاً نمونه‌ای کوچک از پیامدهای برهم خوردن تعادل طبیعت توسط انسان و مخلوقات دست‌ساز اوست. چپاول هرچه بیشتر طبیعت و بهره‌برداری بیش‌ازاندازه از محیط‌زیست نه تنها ضرر و زیان‌های جسمی و روحی را برای بشریت به همراه داشته بلکه هدف اصلی توسعه را با ناپایداری مواجه ساخته است. توسعه پایدار توسعه‌ای است که نیازهای امروز را برآورده می‌کند، بدون آنکه سبب کاهش برآورده کردن نیازهای نسل آینده شود. توسعه پایدار توسعه‌ای است که به‌موجب آن هر نسلی آب‌وهوا و منابع زمین را حفظ کند و آن‌گونه است که فرایند توسعه که در آن مصرف منابع طبیعی و محیط‌زیستی نسل کنونی، سبب کاهش امکان مصرف این منابع توسط نسل‌های آینده نشود (Perman et al., 2009).

درسال‌های اخیر، لزوم افزایش توجه به مسئولیت اجتماعی توسط دولت‌ها، سرمایه‌گذاران و شرکت‌ها به خاطر بحران‌های جهانی، ضرورت و فوریت داشته است. وقتی افراد تصمیماتی در مورد استفاده از منابع طبیعی می‌گیرند، باید فرایندهایی را که برای رسیدن به این منابع به کار می‌برند و به آن‌ها دسترسی دارند را در نظر بگیرند. آیا نسل‌های بعدی هنوز منابع کافی دارند و اثری از محیط باقی خواهد ماند (Lungu, 2011).

توسعه همه‌جانبه اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی در یک جامعه، از ملزومات تحقق توسعه پایدار در آن جامعه است. بر این اساس، حفاظت مستمر و مداوم از محیط‌زیست سبب می‌شود ساختار چندگانه توسعه پایدار مستحکم و ایستا باشد (Ehteshami & Ekrami, 2012). بیش از سه دهه است که اصطلاح توسعه پایدار در ادبیات اقتصادی و مدیریت توسعه جای خود را باز کرده است، اما برداشت خبرگان از مفهوم دیدگاه‌های گوناگون به‌کلی متفاوت است برخی چنین می‌پندارند که توسعه پایدار به معنی پایداری در توسعه یا به عبارت دیگر تداوم امر توسعه است، لیکن اصلی‌ترین و کلیدی‌ترین مفهوم فلسفه توسعه پایدار در اواسط دهه هفتاد توسط یونسکو ابراز گردید که توسعه پایدار توسعه‌ای است که نیازهای امروز را برآورده می‌کند، بدون آنکه سبب کاهش

آید (Mehrra & Tasdighi, 2005).

در بررسی ادبیات توسعه پایدار، معلوم شد که این پدیده، از بعد محیط زیستی، بر دو محور اساسی حفظ محیط زیست و عدالت بین نسلی استوار است. از جهتی خود توسعه را نیز می توان به عنوان رکن دیگر توسعه پایدار برشمرد، و گرنه در صورتی که (مطابق دیدگاه زیست محیطان افراطی) هیچ استفاده ای از منابع نشود، محیط زیست حفظ شده و عدالت هم تأمین خواهد شد. زیرا همه نسل ها به طور یکسان از این مواهب محروم خواهند ماند اما بدیهی است چنین نتیجه ای را توسعه پایدار نمی خوانند. وجود دولتی قوی که نقش نظارتی خود را به خوبی انجام دهد، در کنار گروه های داوطلبانه متعهد که همراه دولت بر این مهم نظارت داشته باشند و همچنین بخش خصوصی کارآمد از الزامات اساسی توسعه پایدار است فقدان آینده نگری و برنامه ریزی مناسب، اسراف و تبذیر در استفاده از منابع، فقدان قوانین و مقررات شفاف و نبود نظریه و دکترین مشخص، وجود بوروکراسی گسترده را نیز می توان از موانع تحقق توسعه پایدار برشمرد (Farahanifard, 2008)؛ بنابراین سیستم پایدار به کارکرد مناسب درونی و به رابطه سازگار با محیط و به عبارت بهتر به پایداری در درون و به پایداری در بیرون (در تعامل با محیط) نیازمند است تا در مجموع به عنوان سیستم پایدار عمل کند. از دیدی دیگر حیات در نفس خود واجد ارزش است، مطالبات حیات حفظ و احیای محیط زیست برای آینده را الزامی می سازد و از این طریق توسعه امروز را به توسعه فردا پیوند می زند. بنابراین می توان گفت که پایداری نوعی عدالت توزیعی است: تقسیم عادلانه فرصت های توسعه بین نسل های کنونی و آینده از یکسو و هم شمول بودن آن از سوی دیگر. هم شمول به معنای قدرت بخشیدن به مردم و به معنای حمایت و توجه به تمام حقوق انسانی است اعم از حقوق سیاسی، حقوق اقتصادی، حقوق اجتماعی و غیره (UNDP, 1994). با بروز ضایعات محیط زیستی و کاهش سطح عمومی زندگی مردم به ویژه در جوامع شهری طی یکی دو دهه گذشته، رهیافت توسعه پایدار به عنوان موضوع روز دهه آخر قرن بیستم از سوی سازمان ملل مطرح شد و به عنوان دستور کار قرن بیست و یکم در سطوح بین المللی، منطقه ای و محلی تعیین گردید (Roseland, 1997).

در یک سیستم پویا مانند جامعه بشری، پایداری اساساً به معنی ثبات در طول زمان است. در نتیجه، این مفهوم چیزی نیست که بتوان آن را به راحتی اندازه گرفت و سنجید، چراکه

برآورده کردن نیازهای نسل آینده شود. توسعه پایدار توسعه ای است که به موجب آن هر نسلی، آب و هوا و منابع زمین را حفظ کند و آن گونه است که فرایند توسعه که در آن مصرف منابع طبیعی و محیط زیستی نسل کنونی، سبب کاهش امکان مصرف این منابع توسط نسل های آینده نشود (Perman et al., 2009). در این نگاه، مفهوم فلسفی توسعه پایدار، مبتنی بر فلسفه عدالت بین نسلی در استفاده از محیط زیست است. این فلسفه محور توسعه پایدار است که ما محیط زیست را از نسل های آینده به عاریت گرفته ایم و باید همان ظرفیت محیط زیست موجود را از طریق لحاظ کردن در برنامه ریزی های توسعه به آیندگان تحویل دهیم. جی کوبس، گاردنر و مونرو^۱ توسعه پایدار را پاسخگوی پنج ضرورت زیر دانستند:

۱. پیوند دادن حفاظت محیط با توسعه
۲. تأمین نیازهای اساسی انسانی
۳. دستیابی به برابری و عدالت اجتماعی
۴. تأمین خودگردانی اجتماعی و تنوع فرهنگی
۵. نگهداری و حفظ یکپارچگی محیط زیستی و ماهیت بی حدومرز اولی (Ahmadi, 2008).

در برابر این نگاه، رابرت سولو^۲ نگاه دیگری را به مفهوم توسعه پایدار دارد. او بعد از نقد تعریف یونسکو، توسعه پایدار را چنین بیان می کند: "فلسفه توسعه پایدار آن است که حق انتخاب و ظرفیت دسترسی به رفاهی حداقل مانند رفاه نسل کنونی را برای نسل آینده حفظ کند". سولو واژه پایدار را مترادف با قدرت اقتصادی ایجاد تداوم بین نسلی در رشد درآمد ملی یا تولید ناخالص ملی می داند. در اینجا توسعه و رشد یکسان فرض می شوند. در دیدگاه سولو، محیط زیست و موجودات آن ابزاری هستند در جهت تداوم بین نسلی رشد درآمد ملی، آنچه اهمیت دارد، ایجاد امکانات تداوم رشد اقتصادی است. به نقل از سولو، اگر ما بخش مهمی از منابع محیط زیست را در خلال فعالیت های اقتصادی خود به انهدام بکشیم، این موضوع به خودی خود موجب بحران (به معنای اقتصادی کلمه) و در حکم فاجعه نخواهد بود، مشروط بر اینکه درآمد حاصل از این منبع صرف پس انداز ملی و نه مصرف شود. در مقابل پس انداز ملی را باید صرف پژوهش و سرمایه گذاری برای ایجاد ظرفیت بدیل در اقتصاد و تولید اجتماعی کرد. از این طریق می توان ظرفیت جدیدی را جانشین ظرفیت قبلی نمود، بدون آنکه لطمه ای به تداوم بین نسلی رشد درآمد وارد

1. Kobe, Gardner and Monroe
2. Robert Solo

یک کیفیت غیرثابت است، نه یک نقطه ثابت (Muldan & Bilhars, 2002). توسعه پایدار یکی از دغدغه‌های اصلی شهرهای صنعتی است که خواسته و ناخواسته درگیر آن هستند. اصولاً رشد و گسترش شهر و شهرنشینی اغلب با فعالیت‌های صنعتی همراه است. این همراهی و همزیستی از یکسو امکان اشتغال و رشد اقتصادی را برای شهروندان به همراه می‌آورد و از سوی دیگر آنها را در معرض آلودگی‌ها هوا، خاک، صوت و غیره قرار می‌دهد. شهر اراک علی‌رغم آنکه در گذشته نه‌چندان دور جزو شهرهای سالم و سرسبز ایران محسوب می‌شده، اما از جنبه‌های محیط‌زیستی یکی از آلوده‌ترین شهرهای ایران به حساب می‌آید و علاوه بر نقش مؤثر و قابل‌ملاحظه صنایع در این آلودگی‌ها، فرهنگ رفتاری در قبال مسائل محیط‌زیستی حاشیه‌نشین‌های اراک امری غیرقابل‌انکار است. بنابراین علاوه بر آلودگی‌های صنعتی که نقش مؤثری در آلودگی‌های شهر اراک و اوضاع نابسامان محیط‌زیستی شهر دارند، نقش ساکنان و شهروندان در تشدید آلودگی محیط‌زیستی شهر، از جنبه فرهنگی رفتاری قابل‌ملاحظه و مؤثر بوده و به عبارت دیگر به نظر می‌رسد بخش مؤثری از آلودگی‌های محیط‌زیستی اراک ناشی از رفتار و باورهای نامطلوب شهروندان در قبال مسائل محیط‌زیستی است (Mahdavi & Ryahi, 2004).

یکی از اساسی‌ترین مشکلات مربوط به این کلان‌شهر، عدم تناسب برنامه‌های توسعه با مسئولیت‌های اجتماعی مدیران صنایع بوده که هرکدام اولویت را در آنچه به نظرشان کوتاه‌مدت و عوام‌پسند بوده می‌دیدند و به جای حرکت به سمت عمق بخشیدن به توسعه پایدار و فراگیر ساختن مسئولیت اجتماعی، فقط به بقا و توسعه برنامه‌های کوتاه‌مدت فکر می‌کردند به حدی که حتی مسئولان شهرداری هم که ویتترین توسعه پایدار هستند، معترف‌اند که نبود دوام مدیریتی در خدمتشان مانع عمده‌ای در تدوین اولویت‌های توسعه پایدار بوده است. بر این اساس پرسش‌هایی که این پژوهش به دنبال آن است عبارت است از:

برای رسیدن به توسعه پایدار کدام بعد اهمیت بیشتری دارد؟
برای رسیدن به توسعه پایدار نقش کدام یک از ابعاد مسئولیت اجتماعی بارزتر است؟

پایداری به عنوان وجه وصفی توسعه، وضعیتی است که در آن مطلوب بودن و امکانات موجود در طول زمان کاهش پیدا نمی‌کند و از کلمه Sustenere (Sus) یعنی از پایین و Tenere یعنی نگه‌داشتن) به معنای زنده نگه‌داشتن یا نگه‌داشتن گرفته شده است که بر حمایت یا دوام بلندمدت

دلالت می‌کند. پایداری در معنای وسیع خود به توانایی جامعه، اکوسیستم یا هر سیستم جاری برای تداوم کارکرد در آینده نامحدود اطلاق می‌شود، بدون اینکه به طور اجبار در نتیجه تحلیل رفتن منابعی که سیستم به آن وابسته است یا به دلیل تحمیل بار بیش‌ازحد روی آنها، به ضعف کشیده شود (Gilman, 1992). از طرف دیگر توانایی سیستم برای استقامت و پایداری به گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر وابسته به موفقیتی است که سیستم در ایجاد ارتباط با محیط بیرونی کسب می‌کند، به عبارت دیگر پایداری سیستم به طور کامل وابسته به قابلیت سیستم برای سازگاری و انطباق، تغییر و تحول و پاسخگویی به محیط است و از آنجاکه محیط به نوبه خود همواره در حال تغییر است، این فرایند سازگاری و انطباق سیستم باید یک فرایند پویا و حساس باشد (Hicks & Goulet, 1997).

اصطلاح توسعه پایدار را اولین بار به طور رسمی کمیسیون بین‌المللی محیط‌زیست و توسعه وابسته به سازمان ملل، در سال ۱۹۸۷ در گزارش «آینده مشترک ما» مطرح ساخت. این کمیسیون «رفع نیازهای کنونی بشر بدون تهدید کردن نسل‌های آینده در برآورده ساختن نیازهایشان» را به عنوان تعریف توسعه پایدار ارائه نمود. این دستور کار ساده و مهم همچنین مبنای دستور کار ۲۱ بود، سندی که از کنفرانس سازمان ملل متحد در زمینه محیط‌زیست و توسعه به عنوان یک طرح کار توسعه پایدار برای قرن بیرون آمد. جهت اجرای صحیح دستور کار اجلاس زمین اقدام به تشکیل کمیته توسعه پایدار در سازمان ملل نمود که وظیفه آن پایش و ارزیابی پیشرفتی است که در حرکت به سوی یک آینده پایدار صورت می‌گیرد و این اقدام مستلزم مجموعه‌ای از استانداردها بود تا برای اندازه‌گیری میزان پیشرفت پایداری مورد استفاده قرار گیرد. باید گفت که اگرچه این مفهوم عمده‌تاً بر پایه ابعاد اقتصادی استوار است، اما ارتباط تنگاتنگ با جامعه دارد. توجه به این ابعاد گوناگون با موضوعات مختلف، اهمیت توسعه پایدار را می‌رساند و اینکه هیچ‌گاه نمی‌توان در یک بعد به توسعه پایدار رسید. اولویت نسبی که به ابعاد مختلف توسعه پایدار داده می‌شود در هر کشور، جامعه، فرهنگ و حتی در هر موقعیت و در طول زمان متفاوت است. به همین دلیل درحالی‌که توسعه پایدار یک چالش جهانی است، پاسخ‌های عملی فقط می‌تواند به صورت ملی و محلی تعریف شود. به هر حال توسعه پایدار دستیابی هم‌زمان به همه اجزاء یا ابعاد با رویکردی سیستمی و یک ادراک ذهنی کل‌گرایانه نیاز دارد که تک‌تک ابعاد و نیز روابط بین آنها را به حساب آورد (Ghadiri & Mamasany, 2004).

(2016).

توسعه پایدار در ابعاد مختلفی همچون محیط زیستی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی قابل بررسی است.

۱. پایداری محیط زیستی: بدین معنی که توسعه با حفظ فرایندهای محیط زیستی بیولوژیک و منابع ذی ربط سازگار است (Chuck, 1998). بعد محیط زیستی با حفاظت و تقویت پایه منابع فیزیکی، بیولوژیکی و اکوسیستم مرتبط است و به رابطه طبیعت و انسان می پردازد (UN, 2001) پایداری محیط زیستی مستلزم این است که پس از استفاده از منابع طبیعی، مقدار قابل توجهی از آن، به عنوان سرمایه طبیعی دست نخورده باقی ماند. بدیهی است، برای تحقق این امر لازم است که روند تخریب محیط زیست کاهش یابد. بنابراین استخراج منابع تجدیدپذیر نباید از میزانی که قابلیت تجدید دارند (ضریب تجدیدپذیر) تجاوز کند و ضایعات تولیدشده توسط انسان، نباید از توان جذب ضایعات توسط طبیعت که برای متعادل کردن وضعیت محیط زیستی انجام می شود (ضریب خود پالایی) بیشتر شود، علاوه بر این باید استخراج منابع تجدید ناپذیر، کاهش یافته و از حداقل سطح ضروری و مورد توافق، تجاوز نکند (Thérivel & Partidário, 1996).

۲. پایداری اجتماعی: پایداری عوامل فرهنگی و اجتماعی، بدین معنی که توسعه موجب افزایش کنترل انسان بر زندگی خود می شود و توسعه با عوامل و فرهنگ و ارزشی که در این راه تحت تأثیر قرار می گیرند، منافات ندارد و موجب تقویت هویت جامعه می گردد (Chuck, 1998). بعد اجتماعی به رابطه انسان و انسان، تعالی رفاه افراد، سلامت و بهداشت و خدمات آموزشی، توسعه فرهنگ های مختلف و برابری و رفع فقر مربوط می شود (UN, 2001). پوتنام یکی از نظریه پردازان مطرح در سرمایه اجتماعی و انسانی به نقش بارز شبکه های اجتماعی در رشد اقتصادی تأکید دارد و معتقد است هنجارها و شبکه های اجتماعی به جای اینکه رشد اقتصادی را محدود سازند، آن را تقویت می کنند و اثربخشی نهادهای عمومی را بهبود می بخشند (Putnam, 1993). پایداری اجتماعی مستلزم آن است که پیوستگی سطوح و لایه های اجتماعی حفظ شود و امکان فعالیت افراد جامعه در راستای اهداف عمومی وجود داشته باشد. علاوه بر این، نیازهای فردی نظیر رفاه عمومی، سلامتی و بهداشت، تغذیه، مسکن و سرپناه، تعلیم و تربیت و مرسومات فرهنگی باید برآورده شود (Ehteshami & Ekrami, 2012).

بانک جهانی نیز سرمایه اجتماعی را پدیده ای می داند که

حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است و تجارب این سازمان نشان داده که این پدیده تأثیر زیادی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد (Alavi, 2000). سرمایه اجتماعی آثار فراوانی را به دنبال خواهد داشت اما یکی از مهم ترین آثار را می توان در آثار اقتصادی دید. سرمایه اجتماعی به عنوان یکی از مهمترین مؤلفه های تأثیرگذار بر شاخص رضایت از زندگی پذیرفته شده است. گرچه این شاخص در کشورهای فقیر از اهمیت کمتری برخوردار است اما در کشورهای ثروتمند، حتی بیش از مسائلی چون درآمد یا نابرابری های درآمدی می تواند رضایت افراد را از زندگی خود تحت تأثیر قرار دهد (Zak & Knack, 2001; Helliwell & Putnam, 2004).

۳. پایداری اقتصادی: بدان معنی است که توسعه از نظر اقتصادی با راندمانی بالا انجام شده و به گونه ای است که نظارت و کنترل لازم بر منابع اعمال می شود و می توان آن را برای نسل های آینده حفظ کرد (Chuck, 1998). بعد اقتصادی به رشد اقتصادی و سایر پارامترهای اقتصادی مرتبط است و در آن رفاه فرد و جامعه باید از طریق استفاده بهینه و کارایی منابع طبیعی و توزیع عادلانه منافع حداکثر شود (UN, 2001). پایداری اقتصادی مستلزم آن است که در زمان اجرای فرایند توسعه پایدار و انجام فعالیت های توسعه ای و حرکت در مسیری که به سوی پایداری اجتماعی و محیط زیستی می رود شرایط اقتصادی جامعه در وضعیتی قابل قبول قرار داشته باشد (Ehteshami & Ekrami, 2012). بنابراین می توان به طور کلی این گونه تفسیر کرد که: پایداری اقتصادی به معنای آن است که سیستم ها در تعامل با محیط اقتصادی رقابت کننده و ماندگار باشند. هر سیستمی که از نظر اقتصادی ماندگار نیست هراندازه که مورد قبول جامعه، از نظر اکولوژیکی درست و از لحاظ سیاسی مسئول باشد، نمی تواند تداوم داشته باشد سیستمی که از نظر اجتماعی مقبول نیست و پذیرش نمی شود، هرچقدر که سودآور یا هماهنگ با محیط زیست یا از نظر سیاسی مسئول باشد، ممکن است به وسیله جامعه ای که باید از آن پشتیبانی کند، کنار گذاشته شده یا نابود شود. یک سیستم که از نظر اکولوژیکی درست نیست، هرچقدر که سودآور یا از نظر اجتماعی مقبول باشد، نمی تواند بهره وری اش را در طول زمان حفظ کند و ناپایدار خواهد شد، همچنین سیستمی که از نظر سیاسی (به ویژه از نظر قوانین، سیاست ها، برنامه، ترتیب های نهادی و مدیریتی و غیره) مسئول نیست،

حمایت نخواهد شد از طرف دیگر با هر فعالیتی که به وسیله انسان‌ها انجام می‌شود (اجتماعی)، غالباً با انگیزه سود و درآمد است (اقتصادی) در طبیعت یا با استفاده از منابع طبیعی صورت می‌گیرد و طبیعی است قوانین و سیاست‌ها آنها را شکل می‌دهند (سیاسی) و این یعنی اینکه این چهار پایداری به هم مربوط اند و پایداری یکی بدون پایداری دیگری ممکن نیست (Zahedi & Najafi, 2006).

۴. پایداری سیاسی: بعد سیاسی به قانون، سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی، بودجه‌بندی، نهادسازی، تنوع و تکرارگری، احترام به حقوق انسانی و مشارکت مؤثر مردم در تصمیم‌گیری توجه دارد و به تنظیم وضعیت و شرایط لازم برای تلفیق اهداف مختلف یا ایجاد رابطه مبادله بین آنها برای رسیدن به توسعه پایدار می‌پردازد. اولویت نسبی که به ابعاد مختلف توسعه پایدار داده می‌شود، در هر کشور، جامعه، فرهنگ و حتی در هر موقعیت و در طول زمان متفاوت است. به همین دلیل درحالی‌که توسعه پایدار یک چالش جهانی است، پاسخ‌های عملی فقط می‌تواند به صورت ملی و محلی تعریف شود. رویکردهای توسعه پایدار تنوع چالش‌های اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی و سیاسی را که کشورهای مختلف با آن مواجه‌اند منعکس می‌کند که از ارزش‌ها و علائق مختلف در جوامع مختلف مشتق می‌شود. به عنوان مثال در تایلند توسعه پایدار به عنوان توسعه کل‌گرایانه‌ای تعریف می‌شود که شش بعد دارد: اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی، سیاسی، دانشی و تکنولوژیکی و تعادل فکری و روانی. در بولیوی، تأکید خاصی روی بعد سیاسی مثل (زاماداری خوب و مشارکت) و روی هویت فرهنگی و معنوی مردم بومی شده است (UNDP, 1994).

مدیران امروز ما باید علاوه بر مهارت‌های فنی، اداری و انسانی به مهارت اداره مسائل اجتماعی نیز مجهز بوده و مسائل جامعه را جزء اهداف سازمانی خود ببینانند. مدیران باید از جزءنگری و شیفتگی صرف نسبت به اهداف سازمانی خود دست بردارند و اهداف جامعه و کشور را به عنوان راهنمای خود در تلاش‌هایشان فرا راه قرار دهند. در این راستا باید بین سازمان‌ها و اهدافشان با جامعه پیوند زده شود و در منشور هر سازمانی اهداف اجتماعی سرلوحه امور قرار گیرد. سازمان‌ها باید این مسئولیت را حس کنند که مشکلات جامعه بخشی از مشکلات آنان به شمار می‌آید و باید به حل و فصل آنها همت گمارند و بخشی از امکانات مالی و انسانی خود را در این راه به کار گیرند (Alvani, 1997).

یکی از مسائل و مشکلات اجتماعی که طی سال‌های اخیر توجه بسیاری از صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران جوامع مختلف را به خود جلب کرده است، عدم توجه و پای‌بندی سازمان‌ها و مدیران به وظیفه و مسئولیت اجتماعی‌شان است (Alvani & Ghasemi, 1998). هنگامی که اهداف سازمان با اهداف سیستم محیطی، سازگاری چندانی نداشته باشند، اطمینان دامن‌دار و مطلوبی بر زیست‌پایی سازمانی متصور نخواهد بود. این امکان وجود دارد که پذیرش مسئولیت‌ها و نقش‌های محیطی یک سازمان در چارچوب سیستم محیطی خود، بتواند اثرات اقتصادی مناسب و شایسته‌ای نیز داشته باشد. برای مثال، بررسی‌های صنعت کاغذسازی نشان داده که شرکت‌های مرتبط با محیط‌زیست باید موقعیت سودبران ارشد یا پیش‌تاز را احراز کنند. چندان‌که می‌توان گفت آلوده‌کنندگی زیاد، به سود ناچیز منتهی می‌شود. با سرمایه‌گذاری زودرس در زمینه تجهیزات کنترل آلودگی، می‌توان از قیمت‌های بالاتر وسایل که در اثر فشارهای توری در آینده به وجود می‌آید، جلوگیری کرد. افزون بر این بازیابی مواد اولیه بهداشت و انگیزه کارکنان را ارتقاء بخشیده و می‌تواند مدیریت خوش‌فکر را به موقعیت سودآوری بهتر و بالاتری رهنمون شود. این موضوع آشکار است که مواجهه و پذیرش وظایف و نقش‌های در حال تغییر محیطی می‌تواند امکان پایداری و حیات سازمان در چارچوب سیستم محیطی را افزایش دهد اینکه چه انگیزه‌هایی باعث پذیرش مسئولیت‌های پویای محیطی می‌شود اهمیتی ندارد، زیرا ماندگاری درازمدت یک کارخانه یا سازمان تنها زمانی می‌تواند تضمین شود که با این گونه مسئولیت‌ها مواجه شده و نقش فعالی در قبال آنها به عهده بگیرد (Hicks & Goulet, 1997).

مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها و مؤسسات در چند بعد اقتصادی، حقوقی، اخلاقی، ملی، آموزشی و مدیریتی قابل بررسی است.

- بعد اقتصادی: مهم‌ترین بعد مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها بعد اقتصادی آن است که در آن فعالیت‌ها و اقدامات آن مدنظر قرار می‌گیرد. در این خصوص کسب سود، حفظ منافع صاحبان و مالکان، ارائه کالا و خدمات با کیفیت و قیمت‌های مناسب و ایجاد بازار کار برای نیروی انسانی جامعه مورد توجه می‌باشد.

- بعد حقوقی (قانونی): دومین بعد مسئولیت اجتماعی سازمان‌ها، بعد حقوقی (قانونی) می‌باشد، که التزام سازمان‌ها به انجام قانون و رعایت مقررات را شامل می‌شود. بدیهی است

امتیازی متوازن (BSC) است اشاره کرد. این سیستم به طور یکپارچه کل عملکرد یک سازمان را هم پایش و هم اندازه گیری می کند و بهبود می بخشد (Sasani, 2006). برخی نظریه پردازان علاوه بر شیوه ارزیابی متوازن سازمان بر این باورند که ارزیابی جامع تری که تمام معیارها را در برداشته باشد و یک نگرشی سیستمی را دنبال کند، مورد نیاز است و بنابراین شیوه مدل تعالی سازمان (EFQM) را برای عملکرد سازمان توصیه می کنند (Khoshnabat, 1995). برخی محققان در ارزیابی عملکردی سازمان به نقش معیارهای محیط زیست بیش از سایر معیارها تاکید دارند و اهمیت به معیارهای محیط زیستی را موجب بهبود در تصمیم گیری ها می دانند (Ahmed et al., 2005). بر این اساس مدل ها و طرح هایی را برای راهبردهای محیط زیستی در سازمان ها ارائه داده اند که می تواند عملکرد یک سازمان و شرکت را تحت تأثیر قرار دهد (Dalkmann et al., 2004; Nilsson & Holger, 2001).

علاوه بر این بسیاری از محققان فرایند ارزیابی سازمان را صرفاً یک برنامه مقطعی در مجموعه مسئولیت های مدیریتی نمی دانند بلکه بر این باورند که مسئولیت مدیریتی باید فرایندی مستمر و پویا و دائمی باشد بنابراین باید ملاحظات بیوفیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سیاست ها، برنامه ها و طرح های توسعه را یکپارچه ساخت و به صورت یک طرح بلندمدت به آن نگرین (Partidário, 1998).

– بعد آموزشی: بعد آموزشی، آخرین بعد مسئولیت اجتماعی است. این بعد اطلاع رسانی و انتشار و آموزش در زمینه مسئولیت اجتماعی را در بر می گیرد. گفتن و رایزنی در بخش سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و رسانه ها، همچنین برپایی کارگاه های آموزشی، اجرای دوره های مشابه و یاری رساندن در اجرا و ممیزی بنگاه های اقتصادی در زمینه مسئولیت اجتماعی از جمله اقدامات در این زمینه است. مردم خواستار شفاف سازی فعالیت بنگاه ها اقتصادی شده اند. سلب اعتماد عمومی به سرمایه گذاران و بنگاه های اقتصادی می تواند نتایج منفی برای رشد و توسعه پایدار جامعه به بار آورد و باعث بحران سیستم اقتصادی شود. در نتیجه ایجاد یک تصویر روشن و شفاف از مفهوم مسئولیت اجتماعی، می تواند به عنوان راهکار بعد آموزشی تلقی گردد (Behzadian, 2006).

روش شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر نحوه گردآوری داده ها توصیفی و در چارچوب یک پیمایش دلفی صورت گرفته

جامعه به منظور انسجام بخشیدن به کل نظام، قوانین و مقرراتی را تعیین می نماید که کلیه شهروندان موظفاند به آنها احترام گذاشته و عمل نمایند. در این خصوص سازمان ها نیز ملزم به رعایت آنها می باشند.

– بعد اخلاقی: سومین بعد مسئولیت اجتماعی سازمان ها، بعد اخلاقی است که متأثر از موازین و ضوابط اخلاقی حاکم بر کل جامعه است. از این رو، از سازمان ها این انتظار می رود که همچون سایر اعضاء جامعه به ارزش ها، هنجارها و اعتقادات و باورهای مردم احترام گذاشته و شئون اخلاقی را در کارها و فعالیت خود مورد توجه و مذاقه قرار دهند.

جولیارد^۱ در ارتباط با توسعه پایدار معتقد است وقتی توسعه و کاربرد فناوری بخشی از فرایند اجتماعی تلقی شود، می توان تصمیم گیری اخلاقی را با مدنظر قرار دادن دیدگاه سرمایه گذاران در ایجاد توسعه افزایش داد. از دید یک شرکت مقبولیت محصول و سیستم آن از موفقیت واقعی در تولید محصولات خیلی مهم تر است (Ghorbani et al., 2006).

– بعد ملی: بعد چهارم مسئولیت اجتماعی سازمان ها، بعد ملی است که شامل انتظارات، خواسته ها و سیاست های مدیران عالی کشور است که انتظار می رود مدیران و کارگزاران سازمان ها با نگرشی کلان و به منظور حفظ وحدت و انسجام ملی و رعایت مصالح کشور، تصمیمات و استراتژی های کلی کشور را سرلوحه امور خود قرار دهند (Hicks & Goulet, 1997).

– بعد مدیریتی: بعد مدیریتی، بعد دیگر مسئولیت اجتماعی است. از طریق بعد مدیریتی سازمان ها باید مفاهیم مربوط به مسئولیت اجتماعی را اندازه گیری و پایش کنند. برای آنکه مفاهیم مربوط به مسئولیت اجتماعی پایش شود، باید از سیستم های متداولی که سازمان ها برای ارزشیابی عملکرد خود استفاده می کنند، بهره گرفت. چون مسئولیت اجتماعی، بخشی از عملکرد است، پس برای اندازه گیری عملکرد کلی شرکت باید سیستمی یکپارچه برای اندازه گیری مسئولیت اجتماعی شرکت داشته باشیم. در این حالت می توان فعالیت های بازاریابی، سرمایه گذاری ها و فعالیت های راهبردی را نیز اندازه گیری کرد. با اینکه بسیاری از سیستم هایی که در دنیا برای اندازه گیری مسئولیت اجتماعی شرکت ها وجود دارد کامل نبوده و تنها بخشی از مسئولیت اجتماعی شرکت ها را، اندازه گیری و پوشش می دهد نه تمام موضوعات آن را، باین حال می توان به یک سیستم که همان سیستم کارت

1. Julieard

است و همچنین از حیث موضوع، پژوهشی بین‌رشته‌ای در حوزه‌های اقتصاد، مدیریت، حقوق و جامعه‌شناسی است. از نظر مکانی کلان‌شهر اراک را در بردارد و از نظر زمانی نیز، در سال‌های بین ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ به طول انجامید با توجه به اینکه این پژوهش به روش تحلیل سلسله مراتبی صورت پذیرفته است، بنابراین ترکیب افراد حاضر در این پژوهش شامل سه گروه از متخصصان بودند که هم با حوزه‌های مرتبط با تحقیق آشنا بودند و هم شناخت کافی در مورد کلان‌شهر اراک داشتند. گروه اول: متخصصان محیط‌زیست و منابع طبیعی؛ گروه دوم: متخصصان توسعه اقتصادی و سوم: متخصصان صنعت آشنا با موضوع توسعه پایدار، که در دلفی نهایی تعداد ۱۸ نفر برای این پژوهش انتخاب شدند.

در این پژوهش شناسایی عوامل و شاخص‌ها و ابعاد موضوع تحقیق، ابتدا به روش دلفی صورت پذیرفت.

با توجه به ویژگی‌ها و خصوصیات مورد نیاز برای اعضای دلفی و تعیین روش انتخاب اعضای پانل دلفی، نمونه‌ای آماری تحقیق مشخص گردید. در تحقیق حاضر از دو روش نمونه‌گیری قضاوتی^۱ (با هدف‌دار) و نمونه‌گیری انباشتی^۲ (مرسوم به گلوله برفی) یا نمونه‌گیری زنجیره‌ای استفاده شد که شیوه‌ای پذیرفته‌شده در انجام تحقیقات به شیوه دلفی است. نمونه‌گیری هدف‌دار یا قضاوتی بر این فرض استوار است که دانش پژوهشگر درباره جامعه برای انتخاب و دست‌چین کردن اعضای پانل قابل‌استفاده است (Hasson et al., 2000). در صورتی که پژوهشگر، خود تمام افراد مناسب را برای عضویت در پانل شناسد می‌تواند از روش نمونه‌گیری زنجیره‌ای یا گلوله برفی نیز استفاده کند که نوعی دیگر از روش‌های غیر احتمالی به حساب می‌آید. در این روش پژوهشگر کار تعیین اعضا را با شناسایی فرد یا گروهی از افراد آگاه آغاز و از این طریق به دیگر افراد مناسب برای کار دست می‌یابد. این روش به‌ویژه هنگامی به کار می‌رود که شناخت افراد مناسب برای پژوهشگر دشوار باشد. تعداد نمونه نیز از جمله نکاتی است که باید در پانل به آن توجه نمود. زمانی که بین اعضای پانل تجانس وجود داشته باشد، بین ۱۰ تا ۲۰ عضو را در این مورد توصیه کرده‌اند. بر این اساس ابتدا مهم‌ترین معیارها و شاخص‌های مرتبط با توسعه پایدار و مسئولیت اجتماعی از منابع مختلف جمع‌آوری و در اختیار گروه دلفی قرار گرفت و نهایتاً در دور چهارم گروه دلفی به یک توافق نسبی در مورد معیارها و شاخص‌های

تحقیق رسید. به‌منظور آزمون تحقیق به روش AHP تعداد ۱۸ نفر از همان افراد شرکت‌کننده در پانل‌های دلفی به شیوه نمونه‌گیری قضاوتی انتخاب و از شیوه تحلیل سلسله مراتبی جهت اولویت‌بندی استفاده شده است. این تکنیک یکی از کاراترین مدل‌های تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی چند شاخصه می‌باشد. یک مسأله زمانی می‌تواند یک تصمیم‌گیری چند شاخصه باشد که در شرایط زیر صدق نماید: الف) دارای چند شاخص باشد و ب) هدف، اولویت‌بندی گزینه‌ها یا انتخاب گزینه برتر از میان چند گزینه باشد. به‌کارگیری روش تجزیه و تحلیل سلسله مراتبی مستلزم چهار قدم زیر می‌باشد:

۱. مدل‌سازی: در این قدم مسئله و هدف تصمیم‌گیری به‌صورت سلسله مراتبی از عناصر تصمیم که با هم در ارتباط هستند مطرح و ترسیم می‌شود، عناصر تصمیم شامل شاخص‌های عمده و شاخص‌های تصمیم هستند.
۲. قضاوت ترجیحی: انجام مقایساتی بین شاخص‌های تصمیم بر اساس شاخص‌های عمده و همچنین قضاوت در مورد اهمیت شاخص‌های عمده با انجام مقایسات زوجی.
۳. محاسبات وزن‌های نسبی: تعیین وزن عناصر تصمیم نسبت به هم از طریق مجموعه‌ای از محاسبات.
۴. ادغام وزن‌های نسبی: به‌منظور رتبه‌بندی گزینه‌های تصمیم (Ghodsi-Pour, 2007).

موقعیت مدیریت برای مقابله با شرایط نامطمئن و متغیر محیطی در سازمان‌های مدرن امروزی و در نتیجه رهبری صحیح به‌منظور رسیدن به اهداف مطلوب سازمان بستگی به تصمیمات اتخاذشده و درجه صحت و منطقی بودن آنها دارد (Asgarpour, 1998).

محاسبه اعتبار داده‌ها

جهت تعیین اعتبار پاسخ‌های ارائه‌شده، مطابق روش پاسخ‌های گروه‌ها موردبررسی قرار می‌گیرند:

$$۱. \text{بردار وزن } W$$

$$۲. \text{ضرب بردار } W \text{ در ماتریس تخمین مناسبی از } W_{\max}$$

$$۳. \text{تقسیم } \frac{\lambda_{\max}}{\lambda}$$

$$۴. \text{متوسط } \lambda_{\max}$$

$$۵. CI = \frac{\lambda_{\max} - n}{n - 1}$$

$$۶. CR = \frac{CI}{\text{متوسط}}$$

$$\lambda_{\max 1} = \frac{593}{172} = 1.225$$

$$\lambda_{\max 1} = \frac{172}{1328} = 1.29$$

2. Judgmental Sampling / Purposing Sampling

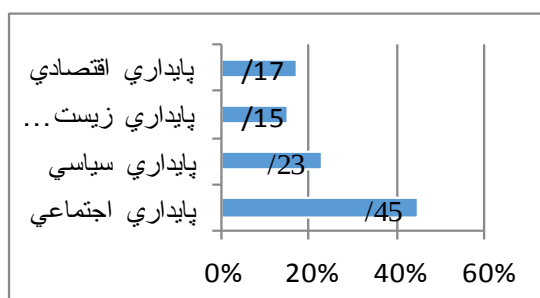
3. Snowball Sampling / Chain-referral

جدول ۲. نتایج به دست آمده از روش AHP، اولویت بندی سطوح

عمده یا ابعاد مؤثر برای دستیابی به توسعه پایدار از دیدگاه

متخصصان توسعه اقتصادی

اولویت	شاخص های (سطوح) عمده	ارزش به درصد
۱	پایداری اجتماعی	۰/۴۵
۲	پایداری سیاسی	۰/۲۳
۳	پایداری محیط زیستی	۰/۱۵
۴	پایداری اقتصادی	۰/۱۷



شکل ۲. هیستوگرام درصدی اولویت بندی سطوح عمده یا ابعاد مؤثر برای دستیابی به توسعه پایدار از دیدگاه متخصصان توسعه اقتصادی بر اساس نتایج حاصل از تحلیل AHP بعد از پایداری اجتماعی، پایداری سیاسی بیشترین اثر را در توسعه پایدار دارد؛ و این نقطه تفاوت متخصصان توسعه اقتصادی با متخصصان محیط زیست و منابع طبیعی می باشد. البته در اینجا سهم پایداری اقتصادی نسبت به متخصصان محیط زیست و منابع طبیعی بیشتر است.

جدول ۳. نتایج به دست آمده از روش AHP، اولویت بندی سطوح

عمده یا ابعاد مؤثر برای دستیابی به توسعه پایدار از دیدگاه

متخصصان صنعت

اولویت	شاخص های (سطوح) عمده	ارزش به درصد
۱	پایداری اجتماعی	۰/۲۹
۲	پایداری محیط زیستی	۰/۲۶
۳	پایداری سیاسی	۰/۲۵
۴	پایداری اقتصادی	۰/۲۰

با توجه به شکل ۳، سطح پایداری اجتماعی در صدر رتبه های تحلیل AHP قرار دارد. بعد از این سطح، سطوح دیگر همچون پایداری محیط زیستی، پایداری سیاسی و پایداری اقتصادی در رتبه های بعد قرار دارند. که البته این اختلاف زیاد نیست و حتی پایداری اقتصادی نیز با درصد بالایی در رده آخر قرار دارد.

$$\lambda_{\max} 1 = 0.65$$

$$\lambda_{\max} 1 = 1.10$$

$$CI = \frac{4.26 - 4}{3} = 0.086$$

$$CRR = 8\%$$

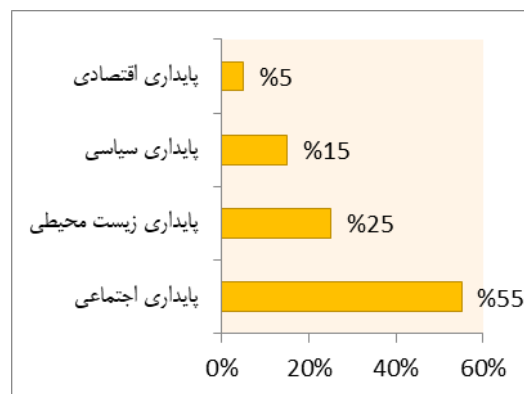
نرخ پایداری به دست آمده این ماتریس کمتر از ۰/۱ است، بنابراین مشخص می گردد که پاسخ ها دارای اعتبار کافی بوده و سازگاری در قضاوت ها وجود دارد.

یافته های پژوهش**بخش اول: تحلیل نتایج مربوط به معیارهای توسعه****پایدار****جدول ۱.** نتایج به دست آمده از روش AHP، اولویت بندی سطوح

عمده یا ابعاد مؤثر برای دستیابی به توسعه پایدار از دیدگاه

متخصصان محیط زیست و منابع طبیعی

اولویت	سطوح (ابعاد) عمده	ارزش به درصد
۱	پایداری اجتماعی	۵۵%
۲	پایداری محیط زیستی	۲۵%
۳	پایداری سیاسی	۱۵%
۴	پایداری اقتصادی	۵%

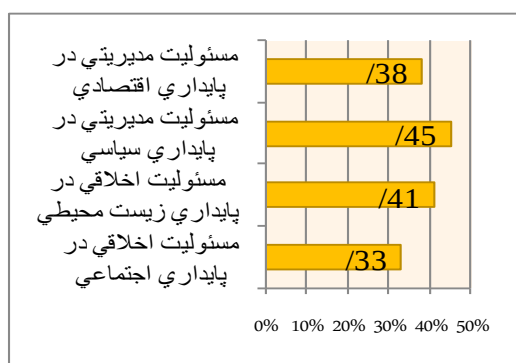
**شکل ۱.** هیستوگرام درصدی اولویت بندی سطوح عمده یا ابعاد مؤثر

برای دستیابی به توسعه پایدار از دیدگاه متخصصان محیط زیست و

منابع طبیعی

همان طور که مشاهده می شود بعد پایداری اجتماعی دارای بیشترین اثر در توسعه پایدار می باشد. بعد از این سطح پایداری محیط زیستی، پایداری سیاسی و پایداری اقتصادی، رتبه های بعدی را کسب نموده اند. نکته مهم میزان اهمیتی است که برای پایداری اقتصادی قائل شده اند که بسیار سهم ناچیزی است.

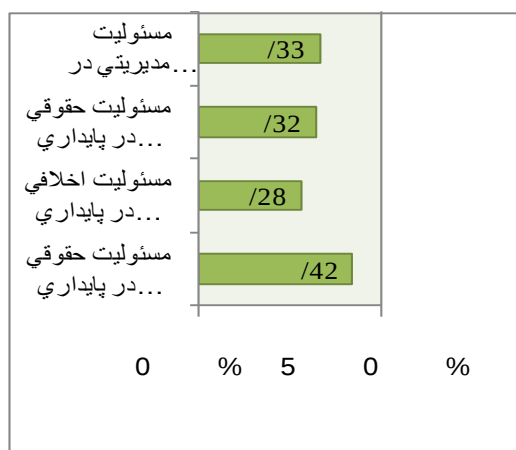
پراکندگی کمتر، دارای اهمیت بیشتری نسبت به سایرین از نظر متخصصان محیط‌زیست و منابع طبیعی هستند.



شکل ۴. هیستوگرام درصدی اولویت‌بندی ابعاد مؤثر بر دستیابی به توسعه پایدار از دیدگاه متخصصان حفاظت محیط‌زیست و منابع طبیعی

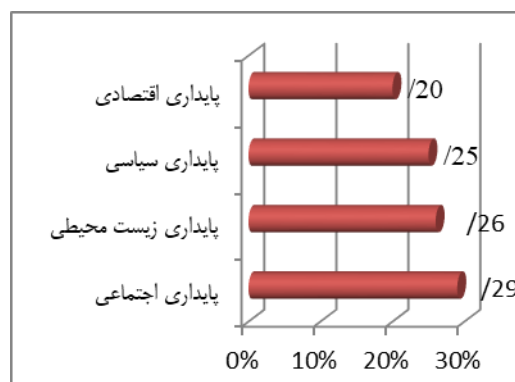
جدول ۵. نتایج به‌دست‌آمده از روش AHP اولویت‌بندی ابعاد مؤثر بر دستیابی به توسعه پایدار از دیدگاه متخصصان توسعه اقتصادی

ابعاد	اقتصادی	سیاسی	زیستی	اجتماعی
مدیریتی	۰/۳۱	۰/۲۴	۰/۱۶	۰/۲۰
حقوقی	۰/۳۶	۰/۳۴	۰/۴۴	۰/۲۷
اخلاقی	۰/۱۹	۰/۲۷	۰/۲۸	۰/۴۳
مدیریتی	۰/۱۴	۰/۱۵	۰/۱۲	۰/۱۰



شکل ۵. هیستوگرام درصدی اولویت‌بندی ابعاد مؤثر بر دستیابی به توسعه پایدار از دیدگاه متخصصان توسعه اقتصادی

از دیدگاه متخصصان توسعه اقتصادی، مسئولیت حقوقی در پرتو پایداری اجتماعی و پایداری سیاسی می‌تواند نقطه قابل اتکایی برای توسعه پایدار باشد، ضمن آنکه مسئولیت حقوقی در منظر پایداری سیاسی و مسئولیت اخلاقی در پایداری محیط‌زیستی، هم بافاصله کمی قرار دارند.



شکل ۳. هیستوگرام درصدی اولویت‌بندی سطوح عمده یا ابعاد مؤثر برای دستیابی به توسعه پایدار از دیدگاه متخصصان صنعت

از مقایسه این نمودارها می‌توان نتیجه گرفت که پایداری اجتماعی دارای اولویت اول است و این اهمیت این سطح را نشان می‌دهد. بعد از پایداری اجتماعی، برای دو گروه متخصصان محیط‌زیست و منابع طبیعی و نیز متخصصان صنعت، پایداری محیط‌زیستی دارای بیشترین رتبه است، اما برای متخصصان اقتصادی، پایداری سیاسی در رتبه دوم قرار دارد. ضمناً پایداری اقتصادی برای متخصصان صنعت بیش از سایر گروه‌ها دارای اهمیت است.

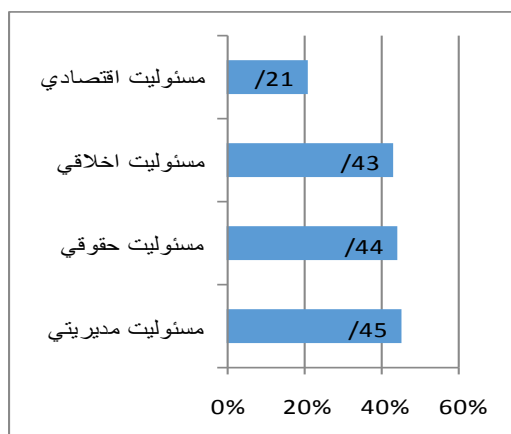
بخش دوم: تحلیل نتایج مربوط به ابعاد مسئولیت اجتماعی در پرتو معیارهای توسعه پایدار

در این بخش، تحلیل برتری‌های مربوط به ابعاد مسئولیت اجتماعی در هر معیار توسعه پایدار با توجه به نظرات متخصصان مختلف به‌صورت کامل ارائه می‌شود.

جدول ۴. نتایج به‌دست‌آمده از روش AHP اولویت‌بندی ابعاد مؤثر بر دستیابی به توسعه پایدار از دیدگاه متخصصان حفاظت محیط‌زیست و منابع طبیعی

ابعاد	اقتصادی	سیاسی	زیستی	اجتماعی
مدیریتی	۰/۳۸	۰/۴۵	۰/۳۸	۰/۳۱
حقوقی	۰/۳۲	۰/۳۵	۰/۶	۰/۲۹
اخلاقی	۰/۲۰	۰/۹	۰/۴۱	۰/۳۳
مدیریتی	۰/۹	۰/۱۲	۰/۱۵	۰/۷

همان‌طور که مشاهده می‌شود، بر اساس دیدگاه متخصصان مربوطه، مسئولیت مدیریتی بالاترین درصد ارجحیت را هم در پایداری سیاسی و هم در پایداری اقتصادی، به خود اختصاص داده است. مسئولیت اخلاقی دومین بعدی است که هم در پایداری محیط‌زیستی و هم در پایداری اجتماعی دارای ارجحیت است. بنابراین این دو بعد از مسئولیت اجتماعی ضمن



شکل ۷. هیستوگرام درصدی نتایج مربوط به ابعاد مسئولیت

اجتماعی در پرتو معیارهای توسعه پایدار

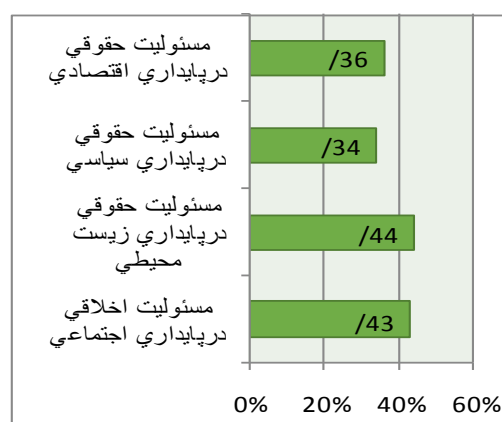
همان طور که مشاهده می شود، پس از گردآوری نهایی نظرات هر سه گروه متخصص، در این تحقیق مشخص شد «مسئولیت مدیریتی»، برترین مسئولیت و معیار ارجح تمام شاخص ها برای رسیدن به توسعه پایدار است. پس از آن مسئولیت حقوقی می تواند معیاری مناسب برای توسعه پایدار باشد و نهایتاً مسئولیت اخلاقی، معیار سوم توسعه پایدار است. نکته ای که در تجزیه و تحلیل این ابعاد و شاخص ها پدید آمد این است که مسئولیت اقتصادی، در هیچ یک از تحلیل ها به عنوان معیار برتر رسیدن به توسعه پایدار شناخته نشده است و اگر در این جدول هم نمایان شده صرفاً به جهت نشان دادن میزان اهمیت و جایگاه آن در بین سایر مسئولیت های اجتماعی است. در بین معیارهای رسیدن به توسعه پایدار نیز، چنانچه مشاهده شد، «پایداری اجتماعی» مهم ترین و برترین معیار و گزینه مناسب در بین معیارهای توسعه پایدار است.

بحث و نتیجه گیری

توسعه پایدار مفهومی آرمان خواهانه برای رسیدن به ارزش های متعالی در نسل های کنونی و آینده است. توسعه پایدار کلیه مفاهیم اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، کالبدی و محیط زیستی را در بر دارد. نسل های مختلف توسعه تا رسیدن به توسعه پایدار معیارهای مهمی را همچون اجتماعی، محیط زیستی، سیاسی، اقتصادی را در بر می گیرد. در این پژوهش بعد اجتماعی توسعه پایدار به عنوان مهم ترین معیار مورد شناسایی قرار گرفت. بعد اجتماعی به رابطه انسان و انسان، تعالی رفاه افراد، سلامت و بهداشت و خدمات آموزشی، توسعه فرهنگ های مختلف و برابری و رفع فقر مربوط می شود، پایداری اجتماعی مستلزم آن است که پیوستگی سطوح و لایه های اجتماعی حفظ شود و

جدول ۶. نتایج به دست آمده از روش AHP اولویت بندی ابعاد مؤثر

صنعت	توسعه	زیست	گروه/ابعاد
-	۰/۳۳	۰/۴۵*	مدیریتی
۰/۴۴*	۰/۴۲	(پ اقتصادی)	حقوقی
(پ زیست)	(پ اجتماعی)	-	اخلاقی
۰/۴۳*	۰/۲۸	۰/۴۱	حقوقی
(پ اجتماعی)	(پ زیست)	(پ زیست)	
-	۰/۲۱	-	
	(پ زیست)		



شکل ۸. هیستوگرام درصدی اولویت بندی ابعاد مؤثر بر دستیابی به

توسعه پایدار از دیدگاه متخصصان شاغل در صنعت

مسئولیت اخلاقی با تکیه بر معیار پایداری اجتماعی، برترین گزینه ای است که متخصصان صنعت نسبت به سایر گزینه ها ارجحیت داده اند و پس از آن مسئولیت حقوقی در سایر معیارهای توسعه پایدار، دارای اهمیت فوق العاده ای است. بازهم همانند متخصصان محیط زیست و منابع طبیعی، پراکندگی کمتری مشاهده می شود.

بخش سوم: تحلیل نهایی نتایج مربوط به ابعاد

مسئولیت اجتماعی در پرتو معیارهای توسعه پایدار

جدول ۷. نتایج مربوط به ابعاد مسئولیت اجتماعی در پرتو معیارهای

توسعه پایدار				
اقتصادی	سیاسی	زیستی	اجتماعی	ابعاد
۰/۳۳	۰/۳۰	۰/۲۷	۰/۳۲	مدیریتی
۰/۳۰	۰/۳۲	۰/۲۴	۰/۴۲	حقوقی
۰/۲۳	۰/۲۱	۰/۲۸	۰/۱۸	اخلاقی
۰/۱۴	۰/۱۷	۰/۲۱	۰/۸	مدیریتی

کنند که در این پژوهش این بعد از مسئولیت اجتماعی در بالاترین سطح اهمیت قرار داشت. پژوهشگران مختلف در پژوهش‌های خود این موضوع را که با این تحقیق هم‌جهت بود به تأیید رساندند. به‌عنوان نمونه خوش‌طینت (۱۹۹۵) در تحقیق خود معیارهای مدیریتی و عملکردی را به‌عنوان معیار برتر در ارزیابی مسئولیت اجتماعی می‌داند. بنابراین استفاده از شیوه‌هایی چون شیوه ارزیابی متوازن سازمان (BSC) و شیوه مدل تعالی سازمان (EFQM) را توصیه می‌کند. به‌غیراز برنامه‌های ثابت و ایستا که در مجموعه مسئولیت‌های مدیریتی مسئولیت اجتماعی وجود دارد باید به یک فرایند مستمر و دائمی که بتواند این مسئولیت مهم را پوشش دهد اهمیت داد. فرایندی که پویا بوده و به‌عنوان یک طرح بلندمدت وجود داشته باشد، بنابراین ارزیابی راهبردی در مسئولیت‌های مدیریتی می‌تواند به شکل نظام‌مند در برنامه‌های توسعه پایدار گنجانده شود. نتیجه این بخش از پژوهش نیز با دیدگاه‌های پارتیداریو (۱۹۹۸) و احمد (۲۰۰۵)، نیلسون و دلکمان (۲۰۰۱) و دلکمن و همکاران (۲۰۰۴) هم‌جهت است چراکه هدف این اقدامات مدیریتی را لحاظ نمودن یکپارچه ملاحظات بیوفیزیکی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در سیاست‌ها، برنامه‌ها و طرح‌های توسعه دانسته‌اند و همچنین براین باورند که بهبود کیفیت تصمیم‌گیری‌ها باید بر پایه محیط‌زیست و ارائه طرح و مدلی پیشنهادی برای راهبردهای محیط‌زیست باشد.

با توجه به اینکه مدت تصدی بسیاری از پست‌های مرتبط با توسعه پایدار در کشور کوتاه‌مدت است قطعاً نتیجه این تحقیق می‌تواند رهنمودی باشد تا مدیران به جای انجام فعالیت‌های کوتاه‌مدت و بدون نتیجه به دنبال نقش‌آفرینی در برنامه‌های توسعه پایدار باشند و با عمق بخشیدن به هر فعالیت سعی کنند تا فاصله خود را در بعد مدیریتی مسئولیت اجتماعی با میزان ایده آل آن بهبود بخشند و قطعاً برنامه‌ریزی راهبردی توسعه پایدار با ابزارهای مدیریتی آن سنجشی دقیق‌تر از اقدامات کوتاه‌مدت خواهد بود.

امکان فعالیت افراد جامعه در راستای اهداف عمومی وجود داشته باشد. بر این اساس زیربنای اصلی پایداری اجتماعی، شکل‌گیری و تقویت سرمایه اجتماعی است. همان‌طور که پوتنام (۱۹۹۳) بر بعد انسانی توسعه تأکید دارد بر این باور است که هنجارها و شبکه‌های اجتماعی به‌جای اینکه رشد اقتصادی را محدود سازند، آن را تقویت می‌کنند و اثربخشی نهادهای عمومی را بهبود می‌بخشند. علوی (۲۰۰۰) نیز معتقد است طبق اظهارنظر بانک جهانی سرمایه اجتماعی پدیده‌ای است که حاصل تأثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است و تجارب این سازمان نشان داده که این پدیده تأثیر زیادی بر اقتصاد و توسعه کشورهای مختلف دارد. گزارش سازمان ملل (۱۹۹۴)، سرمایه اجتماعی را «ویژگی‌های تشکیلات اجتماعی مانند میزان اعتماد، هنجارها و شبکه‌های تعامل مدنی که کارایی جامعه را از طریق تسهیل اقدامات هماهنگ بهبود می‌بخشد» یا «نهادهای، روابط و هنجارهایی که کیفیت و کمیت تعاملات اجتماعی را شکل می‌دهند» معرفی می‌کند. به‌رغم پیچیدگی‌های موجود و نوپا بودن ادبیات موضوع، در سال‌های اخیر روش‌هایی برای سنجش سرمایه اجتماعی معرفی شده است. همچنین از حیث نقش سرمایه اجتماعی در توسعه پایدار، پژوهش‌های متفاوتی درباره پیامدهای رشد سرمایه اجتماعی در حوزه اقتصاد به انجام رسیده است که با این پژوهش مرتبط و هم‌راستا می‌باشد. زاک و ناک (۲۰۰۱) آثار اقتصادی رشد سرمایه اجتماعی و هلیول و پوتنام (۲۰۰۴)، سرمایه اجتماعی و شاخص خوشبختی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. بر اساس مطالعات صورت گرفته سرمایه اجتماعی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذار بر شاخص رضایت از زندگی پذیرفته شده است. گرچه این شاخص در کشورهای فقیر از اهمیت کمتری برخوردار است اما در کشورهای ثروتمند، حتی بیش از مسائلی چون درآمد یا نابرابری‌های درآمدی می‌تواند رضایت افراد را از زندگی خود تحت تأثیر قرار دهد. مسئولیت مدیریتی، حقوقی، اخلاقی، اقتصادی از ابعاد مسئولیت اجتماعی به حساب می‌آیند. از طریق مسئولیت مدیریتی، سازمان‌ها باید مفاهیم مربوط به مسئولیت اجتماعی را اندازه‌گیری و پایش

References

- Abdollahi, A. (2015). "Effective prioritization of sustainable development indicators in Kerman". *International Quarterly Journal of geography and geography*, 13(47), 268-253. [In Persian]
- Ahmadi, M. (2008). "Globalization and urban sustainability". Tehran: Institute of R & D Humanities. [In Persian]
- Ahmed, K., Mercier, J.R. and Verheem, R.

- (2005). "Strategic Environmental Assessment-Concept and Practice". *Environment Strategy*, No.14, 21-24. May 2011, available at: <http://www.wds.worldbank.org/external/default/WDSContentServer/WDSP/IB/2006/11/10/0003106070061110131657/Rendered/PDF/379530ESN140SEA.pdf>
- Alavi, B. (2000). "The role of social capital in development" *Tadbir Journal*, No. 116, 32. [In Persian]
- Alvani, S. M. & Ghasemi, A.R. (1998). "Management and Corporate Social responsibility". First edition, *Tehran: The Center for Public Management Education Press*. [In Persian]
- Alvani, S. M. (1997). "Public Management, Tehran". *Ney Press*. [In Persian]
- Armaki, A. & Eftekhary, A. (2000). "The Economics of Sustainable Development". Volum 1, *Tehran: The Institute of business Studies and Research Press*. [In Persian]
- Asgharpour, M.J. (1998). "Multi Criteria Decision Making (MCDM)". *Tehran: University of Tehran Press*. [In Persian]
- Behzadian, M. R. (2006). "Corporate responsibility in society". (Scientific interviews and roundtable) *Tadbir Journal*. No. 171, 6-9. [In Persian]
- Chuck, Y.K. (1998). "Tourism in comprehensive perspective. Translated by Parsaeian Ali and Arabi Mohammad". *Tehran: The Cultural Research Bureau Press*. [In Persian]
- Dalkmann, H., Daniel, B. and Rodrigo, J. (2004). "Analytical Strategic Environmental Assessment (ANSEA) Developing A New approach to SEA". *Environmental Impact Assessment Review*, 24(4), 385-402.
- Ehteshami, M. & Ekrami, A. (2012). "Applying Management Tool of Strategic Environmental Assessment in Path of Development sustainable". *Strategy Quarterly*, 62, 195-218. [In Persian]
- Farahanifard, S. (2008). Theological principles of sustainable development, *Journal of Philosophy of Religion*, 7(5), 6. [In Persian]
- Ghadiri, M. & Mamasany, S. (2016). "Comparative Analysis of sustainable development indicators in Areas of Bushehr". *Quarterly Journal of geographic space*, Vol 54, 96-69. [In Persian]
- Ghodsi-Pour, S. H. (2007). "Analytical hierarchy process (AHP)". 5th Ed., *Tehran: Amirkabir University of Technology Press*. [In Persian]
- Ghorbani, M. and Zarandi, M. And Hesary, R. (2006). "Ethics and social responsibility in managers". *Journal of Management tomorrow*, 1(1), 86. [In Persian]
- Gilman, R. (1992). "Sustainability, from the 1992 UIA/AIA, Call for Sustainable Community Solutions". 1992, available online at <http://www.context.org/ICLIB/DEFS/AIA D>.
- Hasson, F., Keeney, S. and McKenna, M. (2000). "Research Guidelines for the Delphi Survey Technique". *Journal of Advanced Nursing*, 32(4), 1008-1015.
- Hediger, W. (2000). "Sustainable development and social welfare". *Ecological Economics*, 32, 481-492.
- Helliwell, J. and Putnam, R. (2004). "The social context of well-being". *Philosophical Transactions of the Royal Society: Biological Science*, 359 (1449), 1435-1446.
- Hicks, H. G. and Goulet, C. (1997). "Theory of Organization and Management". Volume II translated By Kohan, G, *Tehran: Douran Press*. [In Persian]
- Khoshtinat, M. (1995). "Social responsibility Accounting". *Journal of Accounting Studies*, Issue 10 & 11, winter 1994 and spring 1995. 32. [In Persian]
- Lungu Camelia I., Caraiani Chirăța and Dascălu Cornelia. (2011). "Research on Corporate Social Responsibility Reporting". *Corporate Social*

- Responsibility*, Vol. 4. No. 29. February 2011, 117
- Mahdavi, M. & Ryahi, V. (2004). "Cultural and social factors in conflict and interaction with the environment". *Journal of Geographic research*, No 47, Spring 2004, 15-17.[In Persian]
- Mehrara, M. & Tasdighi, B. (2005). "Sustainable Development, philosophical foundations in views ecologists and economists". Tehran: Parliament Press. [In Persian]
- Moayedi, S.N., Fani, A. Mohajerani, H.R, Mahbod, S.A. (2008). "Accompanied the blood lead levels of Arak residents with clinical syndromes". *Medical research (Journal of the Faculty of Medicine, Shahid Beheshti University of Medical Sciences)*, 32(1), Spring 2008, 75 -79. [In Persian]
- Muldan, B. and Bilhars, S. (2002). "Indicators of sustainable development". Translated by Haddad-Tehrani, N & Moharamnezhad, N., Tehran: The Environmental Protection Agency Press. [In Persian]
- Nilsson, M. and Holger D. (2001). "Decision Making and Strategic Environmental Assessment". *Journal of Environmental Assessment Policy and Management*, 3(3) 305-327.
- Partidário, M. R. (1998). "Significance and Future of Strategic Environmental Assessment". International Workshop on Strategic Environmental Assessment. Tokyo. Retrieved May 12, 2011, available at: [http://www.env.go.jp/policy/assess//2-tragic/4workshop/s-p13.pdf](http://www.env.go.jp/policy/assess//2-trategic/4workshop/s-p13.pdf).
- Perman. R., Yuma. M., Ray. J. (2009). "Environmental Economics and Natural Resources". translation: Arbab, Hamid R., Tehran: Ney Press. [In Persian]
- Putnam, R.D. (1993). "Making democracy work". *New Jersey: Princeton University Press*.
- Roseland, M. (1997). "Dimention of the eco-city". *Cities (The International Journal of Urban Policy and Planning)*, 14(4), 197-202.
- Sasani, H. (2006). "corporate responsibility in society". (interviews and roundtable scientific) *Tadbir journal*. No 171, 6-9. [In Persian]
- Thérivel, Riki and Partidário Maria Rosário. (1996). "The Practice of Strategic Environmental Assessment". London:Earthscan Publications Ltd.
- UN. (2001). "Guidance in preparing national sustainable development strategies". 2001;Revised Draft, New York, Oct 2001.
- UNDP. (1994). "Human development report". New York: Oxford University Press.
- Zahedi, S. & Najafi,G. (2006). "The concept Developed of sustainable development". *Human Sciences Modares*, 10(4), Winter 2006,65. [In Persian]
- Zak, P. and Knack, S. (2001). "Trust and growth". *The Economic Journal*, 111(470). 295-321.